

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

محمد جعفری
۳۱ اگست ۲۰۲۰



محمد جعفری

تکامل مفهوم غارت در جمهوری اسلامی اموی عصر حاضر

مقدمه:

در این مقدمه به دو نکته اشاره می شود :

یکم. این روزها که مصادف با عاشورای حسینی است، بحق می شود گفت که حکومت غاصب و اشغالگر ولایت فقیه بر پایه اسلام اموی شکل گرفت و با توسل به دروغ، دورغ مصلحت آمیز، خدعه، توریه، تقیه و انواع و اقسام حیل انقلاب آزادی بخش ملت ایران را تصاحب کرده و دیکتاتوری اسلام اموی را به نام ولایت مطلقه فقیه بر ملت تحمیل کرده و به غارت و اشغال کشور پرداخته شد و بدون شک این حکومت در تمامی زمینه ها بر همان روش و منش امویان استوار است. عزاداری صوری هم که حکومت و سردمداران آن برای امام حسین از طریق مداحان، نوحه خوانان و واعظان گفتار به مزد بر پا می کنند، از یک طرف آن را به منبع در آمدی تبدیل کرده و از طرف دیگر به عنوان وسیله ای برای تحمیل توده علاقه مندان به امام حسین از آن بهره برداری می شود و نه برای پیروی از مشی امام حسین که اگر چنین کنند بسیار برایشان خطرناک خواهد بود.

زیرا نیک می دانند اگر جامعه ای از مشی امام حسین که نماد ایستادگی به حق است، پیروی کند هر گز تن به ذلت و خواری چنین حکومت اشغالگر و غاصبی که همه هستی شان را از آن ها گرفته، نمی دهد. عملی که امام در برهه ای از تاریخ اسلام اموی انجام داد نماد ایستادگی به حق شد و هر که بخواهد از او تجربه بیاموزد و پیروی او باشد و مانند کوفیان نباشد، باید استوار به حق بایستد زیرا نظر به این که حاکمیت قدرت ناپایدار است: اگر همه به حق و حقوق خود بایستند، زوری در کار نخواهد بود و همه آزاد هستند ولی اگر زور حاکم شد، هر زمان که مردم به حقوق خود بایستند، زور زودتر از پا می آید و این پیام «کل یوم عاشوری و کل عرض کربلا» یعنی این که هر زمان که حق با قدرت روبه رو شود، آن زمان عاشوری است و هر مکان که این رویارویی انجام بگیرد، آن مکان کربلا است.

از این جهت حسین بن علی متعلق به همه جامعه های بشری است که بحق برای رهایی از استبداد، به آزادی می ایستند . از این نگاه بود که گاندی می گفت :حسین بن علی نماد «سانتیا گراها» است .سانتیا = حق و گراها =ایستادن به حق.

دوم : تفکر غارتگری در زرادخانه خشن فقه موجود و مشروعیت بخشی به آن با انواع و اقسام غارت بسی وحشتناک و ویران کننده است .میزان و شدت ویرانگری در رژیم ولایی حاکم بر ایران امروز را نه تنها باید در بی معنی سازی روزانه آرمانهای انقلاب ملت ایران یعنی استقلال و آزادی و عدالت و معنویت دانست، بلکه وقتی در عمق می نگریم متوجه می شویم که بیشتر به وضعیت غارتگری-و-غنیمت گیری (forceful appropriation) در شرایط جنگی می ماند .بر روند تخصیص منابع سیاسی و مالی و اقتصادی و فرهنگی کشور به دستگاه روحانیت و وابستگان و مریدان آنها وقتی بر مبنای زور و سلطه و غلبه انجام می شود، می توان بسادگی نام غارت نهاد .انواع و اشکال تحصیل قدرت با توسل به تقلب و خشونت و مصادره ها که از بعد از انقلاب به دستور مستقیم آقای خمینی راه اندازی شد و سپس جریان سپردن میلیاردها دالر ثروت ملت ایران به مؤسسات و بنیادهای زیر نظر مقام ولایت فقیه مانند بنیاد مستضعفان تا ستاد اجرائی تا سازمانهای اقتصادی وابسته به سپاه، مانند بنیاد تعاون سپاه و بعدها قرارگاه خاتم الانبیاء همگی نشانه های واضحی بر رسوخ این پدیده در سرتاپای نظام فقیهانه حاکم هست؛ گوئی که اینها خود را جزو مهاجمان به ایران و ایرانی تلقی کرده و ایران را هم سرزمین فتح شده .واژه غارت در زبان عربی از مصدر اغاره است که به معنای حمله و تهاجم سریع به صورت شبیخون از جهات مختلف به جایی است؛ اغار علی قوم من کل جهة(1) .

غنیمت گیری نیز محصول و بل پاداش پیروزی در حمله است که در ادبیات فقه شیعی و سنی به صورت تفصیلی قواعد و احکام خاص آن آمده است .مشترک بین اکثر این آرای فقهی این است که اموال منقول و غیر منقول سرزمینی هائی که فتح می شوند وقتی به دست مجاهدان می رسد با اذن ولی امر باید بین خودی ها تقسیم شود .و جالب این است که بنابر قول جمعی از فقهاء، سرزمینهائی که به دست سپاهیان مسلمان افتاده است، از آن همه مسلمانان تا روز قیامت است(2) .

همین که وقتی به اوضاع وخیم مالی -اقتصادی و فساد دامنگیر در کشور می نگریم، بیشتر متوجه ابعاد پدیده غارتگری می شویم. موضوع پولشویی ها از طریق بانک های اسلامی و انواع تراکنشهای مالی فاسد از طریق قرض الحسنه ها در نظام جمهوری اسلامی که به تدریج بر اثر سرقت سپرده های مردم همگی به بانک تبدیل شده اند، از نشانه های بارز تداوم همین تفکر غارتی است. در واقع روحانیت حاکم، کشور ایران را به مثابه ماده ای خام برای استفاده صوری ایدئولوژیکی- شیعی پنداشته و با بکارگیری همه آنچه در زرادخانه خشن فقهی خویش دارد، از انواع جرم سازیها و جزاها گرفته تا ابزار تکفیری و تضلیلی کلاسیک، کوشیده است منابع موجود در سرزمین ایران را تا سرحد امکان به تصاحب گروه خودی در آورد. به عبارت دیگر، دستگاه روحانیت قدرتش را نه بخاطر توانایی در تولید ثروت و منابع و ایجاد هماهنگی های لازم در حکمرانی سالم دارد، بلکه آن را از جهت سلبی، یعنی قدرت ویرانگری و غارتگری بدست آورده و در طول چهار دهه تنها با افزایش ضریب ویرانگری خود این قدرت را توانسته است در سطح تثبیت کند.

تفاوت بنیادین رژیم ولایت مطلقه فقیه حاکم بر ایران با نمونه های تاریخی نظام های استبدادی در دنیا، از جمله نظام استبدادی فاشیستی یا انحصارگر یا تمامیت خواه شاید در همین نقطه است که از نظر فقهای حاکم، ایران زمین، هم سرزمین و هم مردمانش، با همه دارایی ها و موهبات طبیعی و بشری اش، مال مشاع تحت قیمومیت آنان است و آنها هم بر اساس احکام فقهی خودشان باید در تقسیم اعیان و منافع عمل کنند. دلیلی که برای این درک فقهی هم ارائه می کنند معمولاً اینگونه است که گویی ایران زمین را در طی یک جنگ و غزوه تاریخی بدست آورده اند و بنابراین حق خود می دانند در آن هر طور خواستند تصرف کنند. بنظرم برای فهم حکمرانی فقها ناچاریم به ریشه های فکری آنها

بخصوص مفهوم غنیمت گیری بعد از غلبه و جنگ برگردیم. در ادامه این بحث تلاش خواهیم کرد همین ویژگی را توضیح دهیم. در ادامه نیز برخی مراحل عینی مربوط به تکوین و توسعه این پدیده را با ذکر منابع دست اول خواهیم آورد.

تسخیر روند انتخابات به مثابه غنیمت بزرگ سیاسی

در رابطه با تازه ترین انتخابات مجلس شورای اسلامی و بحث از شرکت کردن و یا نکردن در این روند، مقاله‌ای در تاریخ ۲۹ بهمن/۹۸ تحت عنوان «شرکت در انتخابات یعنی صحنه گذاشتن بر اشغال کشور» بطور مختصر نوشته و در آن یاد آور شدیم که «این رژیم، کشور ایران را کشوری فتح کرده می‌داند و آنچه هم در کشور است را غنایم خود می‌داند. اگر چنین حرفی را بر زبان جاری نمی‌کند از ترس است و از مردم تقیه می‌کند. شما در عمل تا به حال در طول این چهل سال ندیده‌اید که با شما و مردم چنین عمل کرده است؟ و رأی دان و شرکت شما در انتصابات انتخاب نما یعنی اینکه قبول دارید که کشور توسط این حکومت فتح شده است. و حقیقت هم همین است که روحانیت غاصب بی دین کشور ما را اشغال کرده‌اند.» (۳)

باز در تاریخ ۱/ فروردین/ ۱۳۹۹ به مناسبت شیوع کرونا در ایران و بی توجهی حاکمان کشور به مرگ روزانه ده‌ها هموطن به ویژه کادرهای مظلوم بخش بهداشت و درمان کشور، در نوشته‌ای با عنوان: «رژیم اشغالگر و غاصب روحانیت خطرناکتر از ویروس کرونا!» یادآور شدیم که «رژیم حاکم بر ایران، رژیمی است که با دروغ بستن به قرآن و پیامبر و معصومین و جعل ولایت قدرت بنام ولایت مطلقه فقیه، قدرتی که حتی خدا هم برای خود و پیامبرش قائل نشده و به شدت پیامبرش را از آن دور می‌دارد، برای خود قائل شده است.» (۴)

آقای خمینی و پیروانش را می‌توان پیرو نظریه امویان دانست که می‌گفتند الحق لمن غلب. در مقاله‌ای این پرسش را مطرح کرده‌ام که "آیا اینها از ملت ایران که آن‌ها را به قدرت رساندند انتقام نمی‌گیرند؟" (۵). در آن مطلب در برابر مردم کشورم تاکید کردم که «القای این موضوع که ممکن است روزی این رژیم به صرافت افتد و روش خود را در برابر ملت تغییر دهد، رؤیا و خواب و خیالی بیش نیست. خود باید دست غاصبان و اشغالگران را از کشور خود کوتاه کنند. تا به امروز حتماً هم آگاه شده و آگاه هستید که خطرناک تر از این کرونا، کرونای نظام مطلقه روحانیت است. جمع کردن و شدن قدرت در یک فرد ولو امام زمان هم که باشد در دنیای امروز، از هر کورنایی خطرناکتر و عواقب آن بسی خطرناک تر و عظیم تر است. برای برون رفت از این اشغالگری و غاصبیت حقوق و آزادی خود باید تنها به نیروی لایزال خود اعتماد و تکیه داشته باشید و به هر طریق که خود ابداع می‌کنید به سازماندهی نیروی جمعی خود بپردازید.» (۶)

ممکن است در اینجا پرسیده شود که با یکی دو جمله گزارشی که نمی‌شود حکومتی و رژیمی را، رژیمی غاصب، اشغالگر و غارتگر نامید. دلایل این ادعا چیست؟ در پاسخ لازم است به صورت فهرست وار به بخشی از اعمالی که این رژیم بعد از بدست گرفتن قدرت و اشغال کشور و به قول خودشان فتح المبین مرتکب شده است اشاره کنم. توضیح مبسوط و مشروح که در خور نوشتن کتاب و یا کتابهای در این باب است به وقت دیگر موکول می‌شود اگر عمری باقی بود.

فهرست غارتگری

قبل از هرچیز لازم است یادآور شوم که غارت و ویرانگری نظام ولایی یک عمل خاص در یک زمان و مکان نیست بلکه یک فرآیند است که پیوستگی دارد و همچنان بشدت ادامه دارد و مجموعه زندگی ایرانیان را در داخل و حتی خارج از ایران، تا آنجا که در دسترسش باشد، در بر می‌گیرد. این فرایند را در هفت بند به اختصار توضیح خواهم داد؛

۱. غارت اموال شخصی و خصوصی
۲. تخریب و غارت اموال عمومی ملت ایران
۳. غارت و تخریب در زمینه‌های فرهنگی
۴. تخریب و غارت سرمایه اجتماعی و انسانی کشور
۵. تخریب و غارت دین و ایمان
۶. احادیث و روایات را جایگزین قرآن کردن
۷. ساخت طبقه روحانی و جدا کردن آن از سایر مردم

۱. غارت اموال شخصی و خصوصی

غارت اموال شخصی و خصوصی مردم شامل اموال و دارائی‌های افراد و اشخاص مختلف از فردای انقلاب ۵۷ تا همین لحظه است که در طول این چهل سال به روشهای مختلف و تحت نام‌های متفاوت مانند مصادره یا حکم تعزیراتی از صاحبان اصلی آن گرفته شده است. این دستبردها را بطور مختصر و اجمال در زیر فهرست وار بیان می‌کنم. این بخش هم خود دو نوع است:

یکم: دستبرد به نقدینگی مردم. از ابتدا تا به امروز نیروهای وفادار به جمهوری اسلامی به پول‌های نقدی قابل توجهی دسترسی داشته‌اند که در حقیقت مال خودشان نبوده و معمولاً با قدرت زور و به صورت مستقیم و یا با انواع پرونده سازپها برای افراد کسب کرده‌اند. روش هم این طور بوده است که ابتدا به بهانه‌ای حقوقی یا کیفری برای صاحب آن پرونده‌ای آماده می‌کنند و سپس در دادگاه‌های فرمایشی خود آنان را محکوم و بعد دارائی‌اش از او گرفته‌اند. طریق دیگر که حداقل و بویژه از دوران احمدی نژاد تا به امروز ادامه داشته و دارد این است که با دستکاری در قیمت ارزهای خارجی یا کم و زیاد کردن مجوزهای صادرات و واردات و اعتبارات بانکی یکشنبه ارزش اموال نقدی و غیر نقدی آحاد مردم به یک سوم و گاه دو سوم تنزل پیدا کرده و بدین طریق چون شیرازه ارزهای خارجی در دست حکومت است یک سوم و گاه دو سوم و یا بیشتر اموال مردم از دستشان ربوده شده است.

قسم دیگر از طریق مختلف صندوق‌های قرض الحسنه، بنگاه‌های سرمایه‌گذاری و بویژه بانکهای خصوصی که مستقیم و غیر مستقیم در دست افراد حکومتی و اعوان و انصار آنها است. این موسسات که اغلب هم به عنوان بانک کار می‌کنند و به اجبار و از طریق اموال مردم بیچاره توسط بانک مرکزی حفاظت مالی می‌شوند، تحت عنوان بهره‌های بالا دارائی‌های نقدی مردم را گرفته و پس از چندی خود را ورشکسته کرده و پول‌های مردم را به جیب‌های خود سرازیر کرده‌اند. و یا از طریق همان نوسانات بی حد و حساب ارزهای خارجی، ارزش نقدینگی مردم پیوسته از دست آنها خارج می‌شود. در این گیرودار کسانی هم که دسترسی به مرزهای خارج از ایران دارند بخشی از اموالی را که علی القاعده در ایران تحصیل کرده‌اند و باید برای داخل سرمایه‌گذاری کنند، به خارج منتقل می‌کنند تا سودش به بیگانگان برسد. این را می‌توان غنیمت‌گیری غیرمستقیم توسط خارجی‌ها نامید.

دوم: مصادره املاک و کارخانه‌ها و بنگاه‌های مختلف؛ این دارایی‌ها به جای اینکه در اختیار دولت قرار بگیرد و جزو اموال عمومی دولت شود تا دولت بر اساس قانون، ضابطه و بررسی در جهت بهبود رفاه حال مردم و پیشرفت کشور مورد استفاده قرار دهد، ابتدا برای خواب کردن و تحمیل مردم در اختیار بنیادهای خصوصی زیر نظر مقام ولایت، بویژه بنام بنیاد مستضعفان و جانبازان قرار داده شد. از همان روز اول فسادهای کلان در این بنیاد نهادینه شد و چنان فساد و دزدی‌ها کلان بود و به بیرون درز پیدا کرد که آقای خمینی به اجبار هیئتی را مامور رسیدگی به این فساد و اختلاس‌ها کرد. مرحوم صادق طباطبائی عضو و سخنگوی هیئت منتخب آقای خمینی اعلان کرد که ۸۰۰ (هشتصد) پرونده اختلاس و دزدی آشکار شده است (۷) که حتی به یکی از آنها هم رسیدگی نشد. و امروز این اختاپوس اقتصادی تحت عنوان بنیاد مستضعفان و ستاد اجرایی فرمان امام و امثالهم به مراکزی برای غارت و به یغما بردن اموال ملت ایران تبدیل شده و احدی قادر نیست که به حساب و کتاب آنها رسیدگی کند. حسابهای اینها مستقیم در اختیار آقای خامنه‌ای است و او از جمله از طریق دارائی‌های این بنیادهاست که دست خود را برای ارتکاب هر فساد و تخریب و غارت اموال ملت ایران باز شده می‌بیند؛ ولی مبسوط الید

بخش دیگری از این سنخ املاک، منازل و زمین‌ها و کارخانه‌ها و بنگاه‌های صنعتی و غیر صنعتی مختلفی است که در تمامی نقاط مختلف کشور، با توسل به ارعاب و تهدید و گاه با ثمن بخش خریداری شده و در اختیار افراد نظر کرده در رژیم قرار گرفته و در بسیار از موارد حتی لازم دیده نشده که آن‌ها را در دادگاه صوری مصادره کنند، بلکه مستقیم با زور و به عنف از صاحبان آن گرفته شده و در اختیار خود قرار داده‌اند.

۲. تخریب و غارت اموال عمومی ملت ایران

ارائه فهرستی از اموال عمومی ملت ایران که بنابر منطق غارت و غنیمت به روش ویرانگری اداره و تقسیم می‌شود و همچنان هم ادامه دارد، کار سختی نیست. اهم آنها عبارتند از:

۱. معادن زیر زمینی نفت و گاز کشور
۲. معادن مس و آهن و سنگهای قیمتی، سنگهای مرمر و ساختمانی
۳. خاکهای مرغوب برای کشاورزی و صنعت
۴. کوه‌ها و جنگل‌ها و مراتع و منابع محیط زیست
۵. آب‌های زیر زمین و رو زمینی کشور

۳. غارت و تخریب در زمینه‌های فرهنگی

۱. غارت و تخریب در زمینه فرهنگ کشور و سرمایه‌های فرهنگی مردم اما خیلی جدی تر و دردناک تر است؛
۲. دستبرد به تاریخ کشور و تغییرات ایدئولوژیکی در رویدادهای تاریخی کشور قبل و بعد از اسلام تا جای ممکن
۳. غارت کردن بناهای تاریخی و عام المنفعه از صاحبان حقیقی آن و ثبت آنها بنام خود و اعوان و انصارشان
۴. مصادره و تغییر نام بعضی از دانشگاه‌ها، شهرها و حتی محلات و درج آنها تحت عناوین وابسته

۴. تخریب و غارت سرمایه اجتماعی و انسانی کشور، از جمله به روشهای زیر؛

۴. ۱- تخریب و انحطاط دیوانسالاری در کشور و به خدمت گرفتن ملیونها استعداد ایرانی که در زیر چرخهای دیوانسالاری مریض هر روز فرسوده و تهی می‌شوند. و در نهایت کشاندن این نیروهای فرسوده به شرکت در فرایند غارت و تخریب متقابل؛

۴. ۲- به مهاجرت کشاندن و یا وادار به مهاجرت کردن ملیونها ایرانی زن و مرد متخصص و در خدمت منافع غرب قرار دادن استعدادهای آنها؛

۴. ۳- مواجه شدن با داغ و درفش و زندان برای نخبگانی که در داخل می‌مانند و اهل مقاومت در برابر ستم هستند؛
۴. ۴- تخریب ارتش ملی که حافظ مرزها در برابر دشمنان خارجی است و تبدیل آن به سپاهی در خدمت قدرت مطلقه علیه خود مردم داخل؛

۴. ۵- تخریب نظام علم آموزی و دانش اندوزی کشور از طریق سهمیه بندی‌ها و توسعه مدرک گرایی منحنط و تقلب‌های فراوان فضاحت بار در رسیدن به مدارج علمی و دانشگاهی؛

۵. تخریب و غارت دین و ایمان مردم برای ساخت و تقویت حکومت مطلقه استبدادی

برای مشروعیت بخشی به ولایت مطلقه و تداوم منطق ویرانگرانه‌اش، به روشهای مختلف دین و ایمان مردم مورد هجوم قرار گرفته است؛

۵. ۱- تخریب معانی و ارزشهای آزادیخواهانه قرآنی ناظر بر رد ولایت و جباریت و فرعونیت؛

۵. ۲- توسل به صنعت باشکوه احادیث و روایات به قصد رسیدن به درجه اجتهاد و مرجعیت؛

۵. ۳- از استقلال انداختن حوزه‌های علمیه دینی و وابستگی آنها به رانت و پول و منافع مادی؛

۵. ۴- تبلیغ و ترویج قرانت صوری قرآن و استفاده از آن به عنوان زینت المجالس

۵. ۵- مفاتیح الجنان را به جای قرآن و یا برتر از آن قرار دادن

۵. ۶- ترویج زیارت قبور و مرده پرستی به جای پرستش خدای یکتا

۶. احادیث و روایات را جایگزین قرآن کردن به منظور حفظ و استمرار ولایت مطلقه

۶. ۱- رواج و نهادینه کردن دروغ و دروغ مصلحت آمیز با استفاده از حدیث‌های مخصوص

۶. ۲- مصلحت را به جای حق و عدالت گذاشتن آنهم بنام دین و به استناد حدیث

۶. ۳- تهمت زدن به افراد برای از میدان به در کردن آنها به استناد احادیث

۶. ۴- توجیه جاسوسی، دروغ گفتن و حتی شرک ورزی برای حفظ نظام

۶. ۵- زیر قول و قرار و تعهد زدن به استناد حدیث و روایت

۶. ۶- ترویج مداحی و نوحه خوانی و این قبیل امور به جای ترویج از ایستادگی بر حق و عمل به حق

۶. ۷- تقدس دادن به اموری که زمینی است و آن را به معصومین نسبت دادن

۶. ۸- تولید امام زاده جهت هر چه بیشتر تحمیق و سرکیسه کردن مردم و نشان دادن آن به جای حقایق دینی و عرفانی

۶. ۹- خرافه پرستی را جایگزین ایمان دینی آگاهانه

۶. ۱۰- راه اندازی ماشین اعدام و شکنجه به نام دین و مقدسات

۷. تقویت طبقه روحانی و توسعه نظام تبعیض به سود آنان

۱- ۷. تکرار تجربه قرون وسطایی ولایت پاپها و اسقف‌ها و در نتیجه هرچه دین‌گریزتر ساختن مردم

۲- ۷. جدا کردن لباس و سایر امور انسانی خود از مردم

۳- ۷. ساختن درجه و رتبه مانند درجات ارتش و شاهنشاهی

۴- ۷. گماردن روحانیان خشن در مناصب امنیتی و قضائی

در قسمتهای بعدی به ترتیب به شرح و بسط فهرست ارائه شده پرداخته خواهد شد، اما هر خواننده‌ای که به فهرست بالا بنگرد به گمان من بدون هیچ توضیح و تفسیری قادر خواهد بود سطح ویرانگری و فساد هولناکی که ایران را در بر گرفته در ذهن خود تصویر کند. و نکته آخر اینکه نباید فراموش کرد که ضد ارزش غارت و غارتگری که فهرستی از آن در بالا آمد هرچند به رهبری آقای خمینی پایه ریزی شد، در زمان حیات ایشان به اجرا در آمد و لباس شرعی و قانون به آنها پوشیده شد، و در دوران خامنه‌ای تا به امروز به عنوان دست آورد امام راحل ادامه پیدا کرده و در غارتگری و دزدی‌های کلان در همه زمینه‌های ذکر شده در فهرست شدت پیدا کرده است. اما همه اینها از تقصیرات و خطاهای اساسی مردم عادی و معارضان نظام نیز که گاه با واکنش شدن در برابر نظام ولایت فقیه و بعضاً با تکرار همان رویه‌ها، افق بهتری برای مردم نگشودند نمی‌کاهد.

اجازه دهید در این جا یکبار دیگر خاطر نشان سازم که تا زمانی که روندهای تخریب و غارت با جزئیات شناسایی نشوند و به سطح آگاهی عمومی نرسند نباید انتظار داشت که با تغییری در متن قانون اساسی راهی برای رهایی باز خواهد شد. اگر شخص و یا اشخاصی فکر می‌کنند که این رژیم روزی به صرافت می‌افتد و در جهت خواست مردم تغییرات بنیادی ایجاد می‌کند، به تجربه باید عرض کنم که رؤیا و خواب و خیالی بیش نیست. این ملت ایران است که باید دست غارتگران و اشغالگران را از کشور خود کوتاه کند. اینکه چگونه و به چه نحو و با چه روش و منشی دست غارتگران و غاصبان را از کشور خود کوتاه می‌کنید با گفتار و کردار تک تک ماهاست. بنده درموقعیتی نیستم که برای مردم تعیین تکلیف کنم چون درک وضعیت و اراده تغییر و تصمیم، مسئولیت اخلاقی هر فرد انسانی است. در پایان خاطر نشان می‌شود که فهرست ارائه شده کامل نیست علاقه مندان می‌توانند به غنای آن بفزایند و تا جای ممکن آن را تکمیل کنند و ثانیاً پژوهشگران و مطلعین قلم به دست، به توضیح و تشریح بخشی و یا قسمتی از فهرست ذکر شده به نگارش بپردازند و یا اطلاعات خود را با اسناد و مدارک در اختیار اینجانب بگذارند تا درجای خود از آن استفاده نمایم. زیرا روشن شدن اینکه در دوران حکومت اسلامی امویان عصر حاضر چه بر کشور ما رفته است وظیفه ملی و میهنی است.

محمد جعفری ۶ شهریور ۹۹

نمایه و یادداشت:

-۱

<https://www.almaany.com/ar/dict/ar-ar/>

-۲ <http://wikifeqh.ir/>

-۳

<https://enghelabe-eslami.com/component/content/article/19-didgagha/maghalat/36873-2020-02-18-14-31.html?Itemid=0.۵۹>

۴- لینک در انقلاب اسلامی

<https://enghelabe-eslami.com/component/content/article/19-didgagha/maghalat/37285-2020-03-21-11-08-59.html?Itemid=0>

لینک در گویا:

<https://news.gooya.com/2020/03/post-36571.php>

۵- در تاریخ اسلام مشهور است که بعد از رسیدن عثمان به خلافت ابوسفیان در مجلسی در جمع امویان شعری سرود به این مضمون که ای فرزندان امیه بنی هاشم با پادشاهی بازی کرده اند؛ نه خبری آمده بود و نه وحیی نازل گردیده است.

لینت اشیخی بیدر شهدوا جزع الخزرج من وقع الاسل
لعبت هاشم بالملك فلا خبر جاء ولا وحی نزل

و آیا در عمل این رژیم پیرو و مروج اسلام اموی نیست که دین را وسیله ای برای در دست داشتن حکومت و قدرت مطلقه کردند و همه روحانیون آن زمان - جز اقل انگشت شماری- برایشان مشروعیت دینی ساختند. و روحانیون امروز هم - جز اقل - برای این حکومت غارتگر و مطلقه مشروعیت سازی می کنند و کسانی را که بر حق و آزادی خویش می ایستند را به قتلگاه می کشانند از پیروان اسلام امویان نیستند؟!

۶-

<https://enghelabe-eslami.com/component/content/article/19-didgagha/maghalat/37285-2020-03-21-11-08-59.html?Itemid=0>

لینک در گویا:

<https://news.gooya.com/2020/03/post-36571.php>

۷- تقابل دو خط یا...، چاپ اول ص ۴۱۳ و چاپ دوم ص ۴۵۹؛ روزنامه انقلاب اسلامی شماره ۲۹۲ ۱۰ تیر ماه ۵۹ ص ۱ و ۱۲.